

حقوق حیوانات

جاماندگان از صلح

سپهر سلیمی

● وقتی صحبت حمایت و احترام به حقوق حیوانات به میان می‌آید، ممکن است این تصور در اذهان متبادر شود که کشتار حیوانات به کشورهایی خاص تعلق دارد و در کشورهای صلح‌طلب حیوانات در صلح و آرامش قرار دارند. راست این است که اگر چه احترام به حقوق حیوانات در بسیاری از کشورها رابطه مستقیمی با توسعه اجتماعی دارد و وجود قوانین حمایت از حیوانات نقش مؤثری در کاهش خشونت علیه حیوانات اهلی و وحشی داشته اما این مسئله مطلق نیست و شوربختانه هرجا پای منافع مالی و سنت‌ها به میان بیاید، شاهد کشتار پرشمار حیوانات هستیم. کشتار دلفین‌ها در خلیج تایچی زاین از مواردی است که شهرت جهانی دارد. هرساله بیش از هزار و ۷۰۰ فرد انواع پستاندار دریایی در این منطقه برای استفاده از گوشت آنها شکار می‌شود. در کنار کشتار، اسارت دلفین‌ها برای ارسال به دلفیناریوم‌های جهان نیز انجام می‌شود. کشتار دلفین‌ها به شکلی است که بخش‌هایی از خلیج تایچی به رنگ قرمز درمی‌آید. حامیان حقوق حیوانات در یک دهه گذشته تلاش بسیاری برای پایان دادن به این جنایت انجام داده‌اند اما تاکنون موفق به پایان آن نشده‌اند. کشتار پستانداران دریایی در زاین علاوه بر منافع مالی، ریشه در سنت نیز دارد و یکی از دلایل ماندگاری این جنایت اصرار ماهی‌گیران ژاپنی بر اجرای سنت پدران خود است. دانمارک یکی دیگر از به ظاهر کشورهای صلح‌طلب جهان است که در کشتار برخی حیوانات شهری جهانی دارد. بزرگ‌ترین مراکز پرورش منبک برای تولید پوست و خز در این کشور وجود دارد. سالانه حدود ۱۴ میلیون منبک در دو هزار مزرعه پرورش این حیوان برای استفاده در صنعت خز slaخی می‌شوند. همین چند روز پیش بود که دانمارک اعلام کرد تا ۱۷ میلیون منبک را به خاطر ترس از جهش ویروس کرونا خواهد کشت. دانمارکی‌ها در کشتار وال‌ها نیز شهری جهانی دارند. هرساله صدها نهنگ و دلفین در سواحل جزایر فارو بر اساس سنت بسیار قدیمی اسکندیناوی به شکل وحشیانه‌ای کشتار می‌شوند. گوشت این پستانداران گران‌قیمت بوده و طرفداران زیادی دارد. هند از جمله کشورهایی است که به‌واسطه مسائل اعتقادی، گاو را مقدس می‌شمارد و کشتن گاو در اکثر ایالت‌های هندوستان ممنوع است اما جالب است بدانیم که طبق آمار منتشرشده توسط وزارت کشاورزی آمریکا، کشور هندوستان در رتبه دوم صادرات گوشت گوساله در جهان قرار دارد. نروژ نیز از دیگر کشورهای است که مزارع پوست آن شهرت دارد. نکته عجیب آن است که برای تغذیه منبک‌ها از گوشت نهنگ استفاده می‌شود. از دیگر کشورهایی که در رتبه‌بندی کشورهای صلح‌طلب رتبه بالایی دارد، نیوزیلند است اما همین کشور نیز با صادرات سالانه ۲۴ میلیون گوسفند، رتبه نخست را در جهان به خود اختصاص داده است. سونیس از جمله کشورهایی است که شکارچیان آن علاقه زیادی به کشتار حیات‌وحش در مناطق حفاظت‌شده خارج از این کشور دارند. در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، شکارچیان این کشور، ۴۴۳ حیوان حفاظت‌شده را در آفریقا، اروپای شرقی و کانادا شکار کرده‌اند. برخی از این حیوانات شامل شیر، پلنگ، فیل، اسب آبی و کرگدن است.همه این آمارها در کنار کشتار سالانه ۷۵ میلیارد برای مصارف خوراکی نشان از آن دارد که در قرن بیست‌ویکم نشانی از صلح با حیوانات در جوامع انسانی دیده نمی‌شود و راهی طولانی پیش‌روی فعالان حقوق حیوانات قرار دارد.

خبر

کرونا جان ۴۶۹ نفر دیگر را در ایران گرفت

● ایرنا؛ سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: با فوت ۴۶۹ بیمار دیگر از مبتلایان قطعی به کرونا در ۲۴ ساعت گذشته، شمار جان‌باختگان قطعی بیماری کووید ۱۹ در کشور به ۴۶هزارو ۲۰۷ نفر رسید و ۱۷ استان همچنان در وضعیت قرمز کرونا هستند.
سیماسادات لاری روز چهارشنبه با اعلام آخرین آمار مبتلایان و جان‌باختگان کرونا در ایران افزود: در ۲۴ ساعت گذشته تا ظهر پنجم آذر ۱۳۹۹ براساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۱۳هزارو ۸۴۳ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد و دوهزارو ۲۷۰ نفر بستری شدند. با این حساب، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۸۹۴هزارو ۳۸۵ نفر رسید. سخنگوی وزارت بهداشت گفت: خوشبختانه تاکنون ۶۲۵هزارو ۶۰۴ نفر از بیماران، بهبود یافته‌اند یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند. همچنین پنج‌هزارو ۸۳۲ نفر از بیماران مبتلا به کووید-۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند و تاکنون پنج‌میلیون و ۹۱۳هزارو ۲۲۹ آزمایش تشخیص کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. لاری افزود: استان‌های تهران، اصفهان، قم، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، سمنان، قزوین، لرستان، اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، کیلان، بوشهر، زنجان، ایلام، خراسان رضوی، مازندران، چهارمحال‌وبختیاری، البرز، آذربایجان غربی، مرکزی، کرمان، خراسان شمالی، همدان، یزد و کردستان در وضعیت قرمز قرار دارند و استان‌های هرمزگان، فارس، گلستان و سیستان و بلوچستان نیز در وضعیت نارنجی و زرد قرار دارند.

در سال‌های گذشته، مسئله حقوق کودکان کار و خیابان یکی از مسائل مهم و حل‌نشده در حوزه آسیب‌های اجتماعی بود. دستگیری کودکان در ماه‌های مشخصی از سال ازسوی بهزیستی و رهاسازی مجدد و بدون هدف آنها از یک‌سو و همچنین آسیب‌های جنسی و روانی که آنها در کار خیابانی متحمل می‌شوند، فقط بخشی از مخاطراتی است که آنها در خیابان با آن مواجه‌اند. سال‌هاست که سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش کرده‌اند تا حداقل با طرح‌های مدون به بهزیستی بگویند دستگیری کودکان در خیابان هزینه‌ای چندین برابر بیشتر از توانمندسازی آنها به همراه دارد. در هفته‌ای که گذشت روز جهانی حقوق کودک را پشت‌سر گذاشتیم و در این روز سه نفر از اعضای شبکه یاری کودکان و نوجوانان در نشست، درباره مخاطراتی که کودکان در خیابان با آن مواجه هستند، مسائلی را مطرح کردند. شبکه یاری گروهی مشکل از سازمان‌های مردم‌نهادی است که در حوزه کودکان کار و خیابان فعالیت می‌کنند. شری نجفی، مدیرعامل انجمن یاری کودکان کار و خیابان، میزرا امام، عضو هیئتمدیره انجمن پررنده درخت کوچک و عضو هیئتمدیره شبکه یاری و محمد لطفی آذر، عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و یکی از نمایندگان دوره قبل ان‌جی‌اوها در مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در این نشست شرکت کردند و از تبعیض‌هایی که کودکان کار و خیابان با آن مواجه‌اند، سخن گفتند.

۱۷هرساله جمع‌آوری و دستگیری کودکان کار و خیابان در زمان‌هایی مشخص از سال اوج می‌گیرد و بعد از تمام‌شدن دوره طرح‌های ضررئی، بدون پیگیری خاصی این کودکان رها می‌شوند. در مقابل، انتقادی هم بهزیستی به ان‌جی‌اوها دارد؛ اینکه زمان طرح‌های ضررئی ان‌جی‌اوها یادشان می‌آید انتقاداشان را مطرح کنند و مسئله این است که همان‌طور که جمع‌آوری‌ها فصلی است، انتقادها هم به وضعیت کودکان کار فصلی است. کمی به بررسی این مسئله بپردازیم. آیا هرگز طرح مدونی وجود داشته و با بهزیستی درباره طرح‌حایان صحبت کردید؟

امام: در سال ۱۳۹۱ قرار بر این شد که ان‌جی‌اوها دو نماینده از طرف شبکه یاری به وزارت رفاه بفرستند تا در آنجا آیین‌نامه حمایتی از کودکان کار تدوین شود. در نوشتن این آیین‌نامه دو نفر از سازمان‌های مردم‌نهاد (من و آقای لطفی‌آذر) حضور داشتیم. یک نفر از معاونان وزارت رفاه و یک نفر هم از کارشناسان بهزیستی حضور داشتند. در اینجا آیین‌نامه‌ها به‌صورت ميسوط نوشته شد و در آن توضیح داده شده که با چه مرحله‌ای باید کودکان کار از چرخه خارج شوند. اگر بخواهم دراین‌باره به شما توضیح دهم مسئله اول جذب کودک کار است. در مرحله جذب در طرح توضیح داده شده بود که این فرایند پیچیده‌ای است که قرار است به‌واسطه آن کودک با میل و رضای خود اول به مراکز که شهرداری برای این طرح در اختیار قرار می‌دهد و نزدیک همان محل کار کودک است، وارد می‌شود. کودک در آنجا یک‌سری آموزش و امکانات را می‌گیرد و در محل با پیگیری مددکاری و حضور کامل خانواده، کودک را به مرحله‌ای برسانیم که از چرخه کار خارج شود. همه ما می‌دانیم که ریشه‌ای کارکردن موقعیت مشخصی دارد. در مقوله فقر چهارراهی برای خانواده باقی نمی‌ماند. نه کودک و نه خانواده‌اش چاره‌ای جز فرستادن فرزند به بازار کار ندارند. در واقع مبارزه با کار کودک به این بازمی‌گردد که ما جقدر با فقر مبارزه کنیم. کاری که الان اتفاق می‌افتد مجازات کودک است. در واقع ما معلول را به‌جای علت از بین می‌بریم، آن‌هم فقط کودکان کاری که در خیابان دیده می‌شوند. خلاصه اینکه این طرح نوشته شد و ما خیلی روی اجرای آن اصرار داشتیم و سعی کردیم که وظایف نهادهای مختلف را در این طرح بگنجانیم. در این مسئله هم رادیو و تلویزیون می‌توانست در شناسایی و برخورد با کودکان کار به ما کمک کند یا سازمان‌های ورزشی می‌توانستند بن‌هایی در اختیار کودک کار قرار بدهند که کودک وقتی سر کار نمی‌رود از آن استفاده کند. این امکانات وجود دارند و استفاده از آن هزینه‌بر هم نیست ولی آیا کودک کار می‌تواند از این امکانات استفاده کند؟ زمانی کودک می‌توانست از این خدمات استفاده کند که شهرداری می‌آمد و یک‌سری بن‌های استخر و مراکز ورزشی را در اختیار کودک کار قرار می‌داد. مسئله بعدی بیمه سلامت و درمان بود؛ شما می‌دانید که بهداشت هم مثل آموزش در کشور ما با تبعیض مواجه است؛ یعنی برخی از بهداشت کامل و خدمات درمانی و بیمه‌های تکمیلی برخوردار هستند و کودکانی که جامعه مورد نظر هستند، هیچ‌گونه بیمه درمانی ندارند و این مسئله در خانواده‌های که درآمد خانواده خیلی پایین‌تر از هزینه‌های آنهاست، مشکلات زیادی پدید آورد. بنابراین کودک را به خیابان می‌فرستند.

لطفی‌آذر: همان‌طور که گفته شد، انتقاد این است که ما زمانی اعتراض می‌کنیم که این طرح اجرا می‌شود طبیعی است! خب شما زمانی که کودک را از خیابان دستگیر و تعقیبش می‌کنید و او زمین می‌خورد و دست‌وپایش زخم می‌شود یا بچه ۹-۸ ساله را رد مرز می‌کنید، طبیعی است که صدهای بلندتری از جامعه شنیده شود. این یک واکنش طبیعی در قبال یک سیاست‌گذاری غیرطبیعی است.اما ما سال‌هاست که روی این مسئله کار کردیم و طرح‌های زیادی روی این جمع‌آوری‌ها انجام شده است. تمام ان‌جی‌اوها با وجود تمام مشکلاتی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، خدماتی را به کودکان کار ارائه می‌دهند. وقتی بحث برنامه‌ریزی می‌شود، هیچ‌وقت از ان‌جی‌اوها به‌عنوان یک نهاد مؤثر استفاده نمی‌شود و معمولاً حضورشان تشریفاتی است. چندین‌جا ان‌جی‌اوها حضور داشتند و فایده‌شان اثبات شده است. همان‌طور که خانم امام اشاره کردند، ما در تدوین آیین‌نامه‌ای حضور داشتیم. در تدوین آیین‌نامه‌ای، در وزارت رفاه به نام آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، در تدوین این آیین‌نامه ان‌جی‌اوها نقش بسزایی داشتند. از ابتدا حتی نامی که برای این طرح برگزیده شده بود،

جامعه

اعضای انجمن یاری کودکان کار و خیابان در گفت‌وگو با «شرق» از کودکان کار و خیابان می‌گویند

رنج از دست دادن کودکی در خیابان



بخش فریم هاشمی، شبکه خبرنگاران جهان

اشکالات زیادی داشت. کلا هدف از همین نام مشخص نبود و در آن به تمیزکردن شهر و ترمیم مبلمان شهری می‌پرداخت. واژه ساماندهی معنای حمایتی نداشت و سوم اینکه برای کودکان خیابانی بود نه حتی کودکان کار در خیابان. این مفاهیم اگر درست تعریف نشوند، نتیجه غلط از آب درمی‌آید و مثل این است که فراموش می‌کنیم اینها بخش‌های متفاوتی دارند و دولت تمایل دارد با بردن همه اینها در یک چتر مسئله را پنهان کند که سیاست‌های غلط اجتماعی باعث بروز و ظهور این کودکان می‌شود. وقتی گفته می‌شود کودک کار همه یاد کودکان خیابانی می‌افتند یا در بهترین حالت کودکان کار در خیابان؛ کودک کار در خیابان کودکی است که در خیابان کار می‌کند و زندگی‌اش نزد خانواده‌اش است، اما کودک خیابانی کودکی است که خانه ندارد و هم در خیابان کار می‌کند و هم زندگی. وقتی از ما خواسته شد که طرحی ارائه بدهیم، همه ان‌جی‌اوه‌ای کودکان کار در قالب شبکه یاری، دو نماینده معرفی کردند و ما سعی کردیم تغییرات لازم را بدهیم. سعی کردیم ساماندهی را تبدیل به حمایت اجتماعی کنیم. چون حمایت اجتماعی یک ترم بین‌المللی و جهانی است و زیرشاخه‌هایی مثل مسکن، پوشاک، آموزش و بهداشت را شامل می‌شود. ما سعی کردیم اینها را در آیین‌نامه درج کنیم. بحث حق هویت را مطرح کردیم، بحث حق تحصیل را مطرح کردیم. بحث برگ تحصیلی برای مهاجران را مطرح کردیم ولی عکس‌العملی که از جاهای مختلف به‌خصوص رسانه ملی داشتیم نادیده‌گرفتن بود. با اینکه ما نامه از یک نهاد رسمی مثل وزارتخانه داشتیم اما کسی جدی نمی‌گرفت. همان زمان وزارت بهداشت اعلام کرد که طرحمان از شما خیلی جلوتر است و به زودی اجرایش می‌کنیم و همه اینها زیر شاخه طرح ماست. ما باز هم گفتیم شما فعلا خدمات بهداشتی به کودکان بدهید که قبول کردند.

همان زمان بود که وزارت کشور درباره هویت این کودکان نامده‌ای تنظیم کرد مبنی بر اینکه ما یک میلیون کودک داریم که دنبال شناسنامه هستند و اگر بخواهیم به اینها شناسنامه بدهیم، چون عموماً در مرزهای کشور هستند، مسئله امنیتی می‌شود و شناسنامه نمی‌دهیم. دادن شناسنامه به کودکی که هویتی ندارد، مسئله امنیت است اما هاکردنشان در خیابان امنیتی نیست. با وجودی که بچه با داشتن اوراق هویت می‌تواند از خدمات اجتماعی بهره‌مند و تبدیل به یک شهروند شود، چیزی که هرگز درک نمی‌شود. شری نجفی: سال‌های سال ما کلی آیین‌نامه تدوین کردیم اما در اجرا هیچ اتفاق خاصی نیفتاد و مدام دنبال این بودیم که تذکر بدهیم و باز به جایی نرسیدیم. واقعیت این است؛ وقتی در سیاست کلان اراده‌ای برای حل مسئله نباشد، این مسائل حل‌شدنی نیستند. اگر مسئله کودکان کار، مسئله سیاست‌گذار باشد، حداقل می‌شود گفت که از صدرصد تلاش‌ها ۴۰ درصدش نتیجه داده. واقعیت این است که اراده قوی پشت حل این مسئله نیست. طی سال‌ها تنها جبرانی که به‌عنوان یک جریان زنده و فعال توانست پشت کودکان حضور داشته باشد و از کودکان کار حمایت کند، ان‌جی‌اوه‌ای شبکه یاری بودند. باید بگویم مسائل کودکان با مسائل اقتصادی گره خورده و تا زمانی که بخشی از مسائل اقتصادی حل نشود، ما همچنان با این مشکلات مواجه هستیم. اما اینکه چرا این طرح‌های نیمه‌کاره و بدون پشتوانه علمی روی کودکان اجرا می‌شود، بحث دیگری است. ۱۶ سال است که می‌گویند باید این مشکل حل شود، اما متأسفانه لجبازی برای دستگیری کودکان ادامه دارد. درحالی‌که مدام تذکر و رهاکرد دیدند اما همچنان با روش‌های پرخطر با کودکان مواجه می‌شوند. این رفتار بدون اینکه نگاه انسان‌گونه و کودک‌محور باشد، هرساله در ماجرای تکرار می‌شود که نقش اصلی‌اش را کودکان ایفا می‌کنند.

۱۷فارغ از یک نگاه آرمانی و مسائل مالی و فرهنگی که ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، پیشنهادتان برای حل مسئله کودکان کار چیست؟

امام: اصلاً بحث ما نگاه آرمانی و غیرآرمانی نیست. من می‌گویم اگر بهزیستی و فرمانداری فکر می‌کند دستگیری کودکان کار درستی است، چرا هرساله آن را رها می‌کند؟ من واقعا دلم می‌خواهد کسی جواب این سؤال را بدهد. ما می‌گویم کار اشتباه است و آنها بر درستی‌اش اصرار دارند. یک اگر درست است، چرا هرسال نیمه‌کاره رهاش می‌کنند؟ پس یا دو بار دستگیری شروع می‌شود و بعد ولش می‌کنند؟ خب اگر درست است چرا ولش می‌کنند؟ این نگاه آرمانی نیست، اگر بخواهیم به حاشیه‌نشینان توجه شود. به‌هرحال در سال‌های اخیر خیلی از افراد به حاشیه رانده شدند، چون فقر شدید است و شغل‌ها ز دست رفته و زندگی‌ها از بین رفته. اگر وزارت رفاه به فکر ایجاد شغل برای خانواده‌ها باشد یا به آنهاهی که کار فصلی دارند، بیمه کاری بدهد تا خانواده در طول سال درآمد داشته باشد، نگاه آرمانی نیست. باید بدانیم در مسئله دستگیری کودکان بوجه زیادی صرف می‌شود، کودکان تا چند ماه در مراکز می‌مانند، پول مددکار و

سال‌های ۹۷، ۹۸ و ۹۸ در نظر بگیرید، نزدیک به چهار هزار میلیارد بوجه برای این کاهش در نظر گرفته شده. اما سؤال این است که تعداد کودکان خیابانی حتی اندازه پنج درصد کم شده؟ ایراد اینجا به سیاست‌های حاکم است. دولت مستقر به‌عنوان یک خط فکری وقتی وارد فکری وارد یاستور شد، سیاست تقلبلی را در دستور کار قرار داد. در این سیاست دولت‌ها منابغی را از بانک جهانی ترجمه کردند. اشتغال عمومی به‌منابه سیاست یکی از این منابع ترجمه شده است، اما معنای اشتغال عمومی چیست؟ اشتغال عمومی که به شغل‌هایی گفته می‌شود که بیمه ندارند و دولتی نیستند ولی دولت به ایجاد آنها کمک می‌کند. این بحث را کنار بگذاریم و به این برسیم که بی‌کاری پدر و مادر به آسیب‌های خانوادگی کمک می‌کند. مثلی هست که می‌گوید وقتی پدر سیر باشد و مادر پیاز، نمی‌شود انتظار خوشبویی از فرزند داشت. ما سیاست تعدیل ساختاری پیاده می‌کنیم، یارانه‌ها به نام هدفمندی کم‌کم حذف می‌شوند و قرارداد سفید می‌بندیم و نامنی شغلی ایجاد می‌کنم و همه اینها تبدیل به آسیب اجتماعی می‌شوند. چه کسی این کار را انجام می‌دهند؟ سیاست‌مداران و همین جاست که بحث آسیب اجتماعی سیاسی می‌شود. نکته بعدی این است که اجرای این سیاست‌ها برای کشورهای اجراکننده آسیب‌های جدی به‌همراه داشت و این همان جایی است که مسائل اجتماعی با مسائل سیاسی مخلوط می‌شوند. ما از خدمات اجتماعی چه امر استنباط می‌کنیم، و آنهایی که سیاست‌های بانک جهانی را اجرا می‌کنند، استنباط متفاوتی دارند. در بحث حمایت اجتماعی آنها بسته حمایتی تعریف می‌کنند و به بیان دیگر حداقل دستمزد را بالا نمی‌برند، ولی مزایا می‌دهند. مثل اعطای بسته معیشتی. جمع همه این کمک‌ها، خیلی بیشتر از این می‌شود که ۲۰ درصد به حقوق‌ها اضافه شود. اما چون فشار اقتصادی وجود دارد، پس از این بسته‌ها به‌عنوان سوپاپ اطمینان استفاده می‌شود. اما ما درساره مزایای کودک و خانواده صحبت می‌کنیم. ذیل مزایای کودک و خانواده کودک باید در رفاه بزرگ شود و مسئله پوشاک و تحصیل و بهداشت نداشته باشد. ما این را نداریم.

۱۸در ابتدا بحث کنید که جمع‌آوری کودکان در مغایرت با قوانین داخلی و جهانی است. کمی درباره این مغایرت‌ها بگویید.

لطفی‌آذر: بله. دستگیری کودکان کار در مغایرت قطعی با قوانین بین‌المللی و قوانین داخلی است. به‌صورت مشخص به پیمان‌نامه حقوق کودک اشاره می‌کنم که این طرح و برنامه با ماده ۴ پیمان‌نامه به بحث تضمین دولت‌ها برای اجرای حقوق مندرج در پیمان‌نامه را برای

همه اشخاص مطرح می‌کند مغایر است، همچنین، با ماده ۳ پیمان‌نامه که می‌گوید در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی، یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات است، مغایر است. این ماده می‌گوید: کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایت‌ها و مراقبت‌ها لازمه را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آنها، قیم و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرایی و قانونی مناسب معمول خواهد شد. همچنین این جمع‌آوری‌ها با ماده ۱۹ پیمان‌نامه که از دولت‌ها می‌خواهند کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استعمار ازجمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد، در تضاد است. در منشور حقوق بشر هم مغایرت‌هایی دیده می‌شود و در خصوص مواد داخلی با قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مغایر است؛ چرا که توسعه رفاه و تأمین اجتماعی با دولت‌هاست، بد نیست بدانیم این جمع‌آوری‌ها مغایر با قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است که به‌تازگی تصویب شده است.

۱۹در حال حاضر مهم‌ترین مسئله کودکان کار که در کشور با آن مواجه هستند، چیست؟

شری نجفی: نبود حمایت‌های اجتماعی – ساختاری، هیچ برنامه اصولی و زیربنایی‌ای برای حمایت از کودکان کار وجود ندارد. ما آمار سه‌میلیونی کودکان کار را داریم که یک‌میلیون از آنها تحت پوشش بهزیستی هستند. البته معنای این پوشش هم این نیست که این کودکان کار نمی‌کنند، ایسن دو میلیون باقی‌مانده هم در دوره کرونا آمارشان بیشتر شده ولی وقتی که حمایت ساختاری برای بهداشت و آموزش و هویت نباشد، معلوم است که وضعیت روزبه‌روز بدتر خواهد شد.

امام: همه زندگی کودکان کار رنج و مسئله است. اما چیزی که آنها را آزار می‌دهد، تبعیض در آموزش است. با تمام تلاشی که ان‌جی‌اوها انجام می‌دهند، آموزش‌وپرورش به بهانه‌های مختلف آنها را ثبت‌نام نمی‌کند. مسئله بعدی فقر است که چاره دارد اما کسی به فکر چاره‌پذیری نیست که از دست می‌دهند، جبران‌پذیر نیست و مسلماً در رشد عاطفی و روانی کودک تأثیر زیادی دارد.

گزارش عملکرد آبان ماه ۱۳۹۹

هفته اول

توزیع سبد کالای خانوار میان مددجویان تحت حمایت برگزاری جلسات مشاوره تربیت کودک

اهدای تبلت به دانش آموزان کم برخوردار

آغاز برنامه اضطراری درمانی "احسان"

تکریم کودکان در پویش #آرزوکن

هفته دوم

آغاز پویش#نفس_احسان (مشارکت جمعی برای تامین هزینه جراحی) بازسازی منزل مددجوی ساکن ایرانشهر (سیستان و بلوچستان)

بروررسانی محصولات دست ساز مادران در فروشگاه اینستاگرامی نیکوشو

هفته سوم

توزیع میوه و صیفی جات میان مددجویان

توزیع سبد کالای غذایی و بهداشتی در دفتر قیامدشت ورامین

اهدای لوازم منزل به مددجویان نیازمند

پایان موفق پویش #نفس_احسان

هفته چهارم

اهدای وسایل پخت و پز به خانواده های مددجو

بازدید از منازل مددجویان و بررسی نیازها

توزیع گوشت قرمز و مرغ میان مددجویان تحت حمایت

اهدای کتاب های کمک درسی کنکور به دانش آموزان

